

تورم قانون کیفری راجع به قطع و از بین بردن درختان؛

پیامدها و راهکارها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۰/۱۲)

دکتر سیدمهدی احمدی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

کامران رمضانی عزین آبادی^۱

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

چکیده

درختان و منابع طبیعی جزء انفال هستند و متعلق به ما و نسل‌های آینده می‌باشند و مطابق اصل چهل و پنج قانون اساسی متعلق به عموم مردم می‌باشد و در اصل پنجاه قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را وظیفه همگانی دانست و تخریب آن در بسیاری از موارد قابل جبران نیست امروز بررسی جرایم علیه منابع طبیعی و درختان از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا آسیب به آن موجب آسیب به محیط اجتماعی و مردم می‌شود و قانون‌گذار در پایداری از ارزش‌های مهم جامعه اقدام به جرم‌انگاری برخی رفتارهای ناقض آن نموده است و سیاست تقنینی کیفری ایران در قالب حمایت از محیط زیست و رفتارهای مخرب علیه درختان در بسیاری از موارد بسیار نامناسب است. اما چالش‌های بسیار مهمی از قبیل پراکنده بودن قوانین و بعضاً تعارض مقررات کیفری با یکدیگر و همچنین نبود قانون منسجم در راستای پویایی سیاست کیفری ایران در حفره حمایت کیفری از درختان و جنگل‌ها وجود دارد که در این مقاله به ارزیابی رویکرد مقنن و به چالش‌های موجود و راهکارهای آن پرداخته خواهد شد که بعضاً موجب سردرگمی حقوق دانان از جمله قضات محاکم، وکلاء، اساتید دانشگاه و... در خصوص استناد به ماده قانونی مناسب به عنوان عنصر قانونی بزه قطع درختان خواهد شد.

واژگان کلیدی: تورم، قوانین متعدد، قطع، از بین بردن، درخت



مقدمه

در خصوص جرم‌انگاری قطع و از بین بردن درختان به عنوان میراث آیندگان و بخش مهمی از محیط زیست مورد حمایت قوانین متعدد ایران که به طور مفصل در خصوص آن بحث خواهد شد و همچنین قوانین بین‌المللی از جمله فصل یازدهم دستور کار ۲۱ اجلاس ریو ۱۹۹۲ به عنوان مبارزه با جنگل‌زدایی و اصول جنگل‌ها و در سال ۲۰۰۰ مجمع جنگل زیر نظر شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد تشکیل شد و جزء مهم‌ترین موضوعات اجلاس تغییر اقلیمی پاریس در سال ۲۰۱۵ نیز بود و نهاد جدیدی برای جلوگیری از نابودی و کاهش جنگل و تخریب درختان تشکیل گردیده است و پرسشی که قابل طرح می‌باشد این است که آیا حمایت کیفری نظام حقوقی ایران از درختان و جنگل‌ها توانسته است به خوبی نقش اثرگذار در حفاظت از محیط زیست و درختان ایفاء نماید؟ در پاسخ به سؤال مطرح شده باید قاطعانه بیان داشت که حمایت کیفری قانون‌گذار کشور از جنگل و درختان آنچنان که بایسته و شایسته حمایت از این محیط است انجام نشده است زیرا می‌توان از جهت عدم انسجام و از هم گسیختگی قوانین در این خصوص بحث نمود و توضیح آن که حمایت کیفری قانون‌گذار از محیط زیست به طور عام و حمایت از درختان و جنگل‌ها به طور خاص به طور پراکنده به عمل آمده است که مشکلات زیادی را برای مخاطبان قانون هم از نظر دسترسی به آنها و هم از نظر قضایی (ناسخ و منسوخ بودن قوانین نسبت به همدیگر) به بار آورده است. و به خاطر اهمیت وجود درختان و حفظ این امانت برای آیندگان نیازمند تدوین قوانین واحد و منسجم است زیرا که شفافیت در قانون‌گذاری یکی از مهم‌ترین آثار اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. و از دیگر ایرادات مقنن در قانون‌گذاری نسبت موضوع مورد بحث متناسب نبودن کیفر با رفتار انجام شده در برخی موارد می‌باشد که با هدف باز دارندگی کیفرها تناسبی ندارد و این به آن معنا نیست که قانون‌گذار تعیین کیفرها را خارج از معیارهای جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی و سایر علوم کیفری و جنایی افزایش نامتناسب مجازات دهد بلکه با اتخاذ سیاست کیفری سنجیده اقدام به تعیین مجازات متناسب با رفتار ارتكابی و با هدف پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از منابع طبیعی و درختان باشد.



بخش اول: مفهوم‌شناسی

بند اول: مفهوم درخت در لغت

درخت گیاه بزرگ و ستبر که دارای ریشه و ساقه و شاخه ها باشد (دهخدا)

بند دوم: مفهوم جنگل در لغت

جنگل در لغت به زمین وسیعی تعریف شده است که پر از درختان انبوه می‌باشد و بیشه یا زمین مشجر و اجتماع درختان زیاد در یک محل به طوری که زمین را بپوشاند نیز گفته‌اند (دهخدا، ۱۳۸۵، ص ۸۹۳)

بند سوم: مفهوم جنگل در قانون

در ماده یک قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ تعریف کاملی از جنگل ارائه نموده است که به موجب بند ۱ ماده قانون فوق‌الذکر ((جنگل یا مرتع یا بیشه طبیعی عبارت از جنگل یا مرتع یا بیشه ای است که به وسیله اشخاص ایجاد نشده باشد)) بوته جنگلی نیز دسته های خودروی خشبی است که ساقه آنها به طور طبیعی کمی بالاتر از سطح خاک منشعب شده باشد و نوعاً در جنگل‌ها یا اراضی جنگلی یا بیشه ها می‌روید (بند ۲ ماده ۱ قانون فوق‌الاشعار)

بخش دوم: تحلیل قوانین متعدد در خصوص قطع و از بین بردن درختان

بند اول: جرایم و مجازات‌های مقرر در خصوص قطع و از بین بردن درختان در

قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی

- بریدن و ریشه‌کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال از منابع طبیعی و توده های جنگلی ماده ۴۲ قانون مذکور بیان می‌دارد

((بریدن و ریشه‌کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال از منابع طبیعی و توده های جنگلی بدون اخذ پروانه از وزارت منابع طبیعی ممنوع است مرتکب در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن و سوزانیدن هر اصله نهال به پرداخت جریمه نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال و در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال به حبس تأدیبی از ۱۱ روز تا ۶ ماه و پرداخت جریمه نقدی از سی میلیون



ریال تا هفتاد و پنج میلیون ریال نسبت به هر اصله درخت یا هر مترمکعب هیزم یا زغال محکوم می‌شود در تمام موارد عین مال نیز ضبط و به ترتیب مقرر در ماده ۲۸ این قانون عمل خواهد شد.)) در ماده ۴۲ قانون اخیرالذکر قانون‌گذار برای بریدن و ریشه‌کن کردن نهال و بریدن و ریشه‌کن کردن درخت دو مجازات متفاوت در نظر گرفته است. ابتدا باید در تعریف نهال به بند ۵ ماده ۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مراجعه نمود که مقرر می‌دارد ((نهال درخت جوانی است که دارای ساقه مشخصی بود و قطر بن آن کمتر از پنج سانتی‌متر و در مورد شمشاد و قطر بن کمتر از سه سانتی‌متر باشد)) در مورد نهال قانون‌گذار فقط مجازات جزای نقدی قرار داده است و در خصوص بریدن یا قطع درخت علاوه بر جزای نقدی حبس نیز قرار داده است. البته میزان مجازات جزای نقدی هر اصله درخت بیشتر از هر اصله نهال می‌باشد که البته می‌توان آن را منطقی دانست زیرا برای رشد و نمو درخت چه به صورت طبیعی و چه به صورت هزینه و امکانات و نگهداری توسط مأموران محیط زیست و جنگلبانی هزینه زمان بیشتری نسبت به نهال دارد و هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۴ میزان جزای نقدی مقرر در مواد ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶ و ۵۰ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ را افزایش داد که با توجه به شرایط فعلی حفظ و حمایت از درختان و منابع طبیعی اقدام مناسبی بوده است. و در خصوص قطع و از بین بردن درختان جنگل در ماده ذکر شده قانون‌گذار مجازات حبس را نیز علاوه بر مجازات جزای نقدی قرار داده است در صورتی که در خصوص قطع نهال مجازات حبس قرار داده نشده است و منطقی بود که مطابق جزای نقدی کمتری که برای قطع نهال نسبت به قطع درخت تعیین شده بود مجازات حبس کمتری برای قطع نهال نسبت به قطع درخت تعیین می‌شد زیرا هدف حمایت از منابع طبیعی و حفاظت از ذخایر جنگلی چنین مقرر می‌شود. بنابراین قطع و بریدن و ریشه‌کن کردن درختان جنگل بدون اخذ پروانه از وزارت منابع طبیعی جرم است و رسیدگی به بزه موضوع ماده ذکر شده با توجه به اینکه مجازات حبس درجه هفت دارد و جزای نقدی برای قطع درختان جنگلی که به استناد ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی توسط هیئت وزیران



مطابق آنچه که گفته شد افزایش یافت و جزای نقدی نسبی محسوب می‌شود و مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات تعزیری درجه هفت محسوب می‌شود و به استناد ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به بزه درجه هفت به طور مستقیم در صلاحیت دادگاه می‌باشد.

- بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها ، خارها و درختچه‌های بیابانی ، کویری و کوهستانی

ماده ۴۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌دارد ((بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها و خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی ممنوع است متخلف به حبس تکدیری تا ۱۰ روز با پرداخت غرامت از شش میلیون ریال تا پانزده میلیون ریال و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد)) در بند ۳ ماده ۱ قانون ذکر شده در تعریف بوته کویری آمده است ((کلیه نباتات خودروی چند ساله به جز درخت که در کویر و بیابان روید بوته کویری نامیده می‌شود)) در این ماده قانون‌گذار میزان حبسی که به عنوان مجازات بزه قطع و از بین بردن درختان کویری و بیابانی تعیین کرده در مقایسه با مجازات سایر مواد این قانون بسیار کم به نظر می‌رسد زیرا درختان و بوته‌ها و درختچه‌هایی که در بیابان و مناطق کویری وجود دارد برای جلوگیری از بیابان‌زایی و افزایش پوشش گیاهی بسیار مهم است لذا تعیین مجازات حبس تا ده روز بسیار کم است و پیشنهاد می‌شود جهت حمایت از مناطق کویری و بیابانی نسبت به تعیین مجازات متناسب با بزه توسط مقنن انجام گیرد و مجازات حبس درجه هشت و مجازات جزای نقدی درجه هفت با توجه به نسبی بودن مجازات جزای نقدی که درباره آن بیان شد رسیدگی به بزه موضوع ماده ذکر شده مطابق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صلاحیت مستقیم دادگاه می‌باشد.

- تعلیف احشام و چرای غیرمجاز در جنگل‌ها و مراتع
مطابق ماده ۴۴ قانون صدرالذکر ((چرانیدن بز در جنگل‌ها و مراتع و مناطقی



که از طرف سازمان جنگلبانی تعیین و آگهی شده است ممنوع و متخلف به پرداخت غرامت چهار میلیون و هشتصد هزار ریال برای هر رأس بز می‌باشد)) نکته مهم در این خصوص که قابل ذکر می‌باشد این است که براساس بند ۲۲ ماده ۱ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌دارد ((هر واحد دامی عبارت از یک رأس گوسفند است. بز و سایر دام‌ها هر کدام معادل چهار واحد دامی محسوب می‌شود.)) لذا قانون‌گذار هر رأس بز و گاو و سایر دام‌ها را معادله چهار واحد گوسفند دانسته است زیرا میزان خسارت و تخریب بز و گاو و سایر دام‌ها به منابع طبیعی و درختان بیشتر از میزان خسارت و تخریبی است که یک گوسفند به آن وارد می‌نماید. از ایرادات اساسی که می‌توان به قانون‌گذار وارد دانست این است که در مقرره فوق مقنن ملاک مجازات برای تعلیف غیرمجاز در این ماده را فقط تعداد واحد دامی دانسته است در صورتی که اصلاً میزان ظرفیت چرای دام و همچنین زمان و مدت چرای دام در این ماده ملاک تعیین مجازات قرار داده نشده است. برای مثال مجازات چرانیدن غیرمجاز و بدون پروانه دام در یک روز با یک ماه یا یک سال فرقی ندارد و فقط تعداد دام ملاک تعیین مجازات جزای نقدی مقرر در ماده قبل است در صورتی که ضرورت حفاظت و حمایت از جنگل‌ها و مراتع مقتضی این موضوع بود که مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد و قانون‌گذار فقط مجازات جزای نقدی برای بزه تعلیف و چرای غیر مجاز برای احشام قرارداده است که مجازات جزای نقدی نسبی می‌باشد و با توجه به توضیحاتی که سابقاً گفته شد رسیدگی به بزه مزبور در صلاحیت مستقیم دادگاه کیفری می‌باشد. ماده ۴۴ مکرر قانون ذکر شده مقرر می‌دارد ((چرانیدن دام در منابع ملی مذکور در ماده یک قانون ملی شدن جنگل‌های کشور بدون اخذ پروانه مطلقاً ممنوع است وزارت منابع طبیعی مکلف است دام افرادی را که بدون پروانه مبادرت به چرای دام می‌نمایند به نفع خود ضبط نموده و بدون رعایت تشریفات مزایده به فروش برساند و...))

تبصره ۱ ((واگذاری حق استفاده از پروانه چرا به هر نحو از طرف صاحب پروانه به دیگری و یا دریافت وجه و یا هر نوع مالی به عنوان واگذاری پروانه یا حق علفچر یا به هر عنوان بابت استفاده از مرتع موضوع پروانه ممنوع است و مرتکب



به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.) نکته مهم قابل ذکر در خصوص ماده ۴۴ مکرر این است که شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۱۴ ضبط احشام اشخاص را خلاف شرع اعلام کرد و ضبط ملغی‌الاثراست. تا اینکه مطابق تبصره ۲ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱/۲۷ چرای دام بدون پروانه چرا و یا مازاد بر ظرفیت تعیین شده در پروانه جرم محسوب می‌شود و مستلزم پرداخت معادل بیست درصد ارزش متوسط واحد دامی در سال خواهد بود که پس از وصول باید به حساب درآمد عمومی واریز شود. و براساس تبصره ۱ ماده ۴۴ مکرر پروانه چرا (پروانه بهره‌برداری مراتع) قائم به شخص است و صاحب پروانه حق واگذاری پروانه چرا تحت هر عنوانی (فروش، اجاره، صلح و...) به دیگری را ندارد و مجازات حبس درجه شش برای آن در نظر گرفته شده است. البته در خصوص قطع درختان و تعلیف غیرمجاز در قوانین دیگر توسط مقنن جرم‌انگاری صورت گرفت که در ادامه بحث در خصوص آن گفته خواهد شد که بهتر بود در همین قانون خاص به صورت یک جا جرم‌انگاری نماید تا از پراکندگی قوانین جلوگیری نماید و به تدوین قانون منسجم و یکپارچه اقدام نماید.

- آتش زدن غیر عمدی در جنگل

ماده ۴۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مقرر می‌دارد ((آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است در صورتی که در نتیجه بی‌مبالاتی حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد)) موضوع ماده ذکر شده در خصوص آتش زدن غیرعمدی باغات داخل و مجاور جنگل می‌باشد که در اینجا احراز تقصیر مرتکب برای احراز وقوع جرم شرط می‌باشد و قانون‌گذار در اینجا فقط از لفظ بی‌مبالاتی در ایجاد حریق در جنگل استفاده نمود است. که بی‌مبالاتی به معنی عدم انجام کاری که باید انجام گیرد که یکی از مصادیق ترک فعل در عنصر مادی بزه می‌باشد ولی براساس ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی می‌باشد. و در مواردی مثل مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی که



حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی هستند آیا در موارد ذکر شده برای مثال اگر آتش‌سوزی غیر عمدی ناشی از بی‌احتیاطی (انجام کاری که نبایست انجام می‌شد) نیز مشمول مجازات ماده مذکور می‌شود یا خیر؟ یا اینکه در مواردی که قانون‌گذار فقط تقصیر را شامل بی‌مبالاتی دانست مطابق تفسیر تحت‌اللفظی باید فقط شامل بی‌مبالاتی دانست؟ به نظر می‌رسد که با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تفسیر به نفع متهم در موارد شک باید مجازات ماده را فقط شامل بی‌مبالاتی در ایجاد حریق غیرعمدی در جنگل دانست در صورتی که لزوم حمایت کیفری از منابع طبیعی و درختان اقتضاء می‌نمود که قانون‌گذار صراحتاً به صورت مطلق تمام موارد تقصیر را ذکر می‌نمود.

- آتش زدن عمدی در جنگل

ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مقرر می‌دارد ((هرکس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد نماید به حبس از مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهد شد در صورتی که مرتکب مأمور جنگلبانی باشد به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود)) البته ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان می‌دارد ((هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به‌طور کلی هر محله مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد)) البته در تحلیل ماده ۴۷ قانون ذکر شده آتش زدن غیرمستقیم و ایجاد آتش‌سوزی در جنگل است و در ماده ۶۷۵ شخص مستقیماً جنگل را آتش می‌زند و همچنین شمول ماده مواردی غیر از آتش زدن جنگل از جمله آتش زدن خرمن یا هر نوع محصول زراعی و اشجار و... را شامل می‌شود. البته این دوگانگی مقرر در قانون در خصوص یک بزه یعنی آتش زدن عمدی جنگل وجود دارد و برخی از عقیده دارند که ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها را نسخ نموده است و در استناد به ماده قانونی ماده ۶۷۵ قانون پیش گفته را ملاک عمل قرار داده‌اند و در مقابل برخی دیگر عقیده دارند که قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع قانون خاص است



و زمان تصویب آن مقدم است و قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات قانون عام و زمان تصویب آن مؤخر است و در واقع قانون عام مؤخر ناسخ قانون خاص مقدم نیست و درواقع نیازمند تدوین قانون منسجم از سوی قانون‌گذار و ایجاد شفافیت می‌باشد و در عمل دیده شده در موضوع ذکر شده عمدتاً حقوق‌دانان با توجه به قاعده تفسیر به نفع متهم به ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی استناد می‌نمایند زیرا مجازات حبس مقرر در این ماده کمتر از مجازات حبس مقرر در ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع می‌باشد.

- کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت

ماده ۴۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مقرر می‌دارد ((هرکس مبادرت به کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی نماید به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و برای هر درخت که کت یا پی زد و یا در آن آتش روشن کرده باشد به پرداخت جریمه نقدی سی میلیون ریال تا هفتاد و پنج میلیون ریال محکوم خواهد شد)) کت زدن به معنی کندن پوست درخت به صورت نواری باریک که سبب خشک شدن درخت می‌شود است و در ماده ذکر شده قانونگذار مجازات حبس و جریمه نقدی برای کت زدن و روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی قرار داده است که عمدتاً با هدف از بین بردن درختان جهت بیشتر نمودن مرتع جهت تعلیف گوسفندان از سوی چوپانان یا بعضاً از سوی اشخاص جهت تصرف عدوانی جنگل و گاهاً جهت استفاده از چوب درختان به‌عنوان زغال یا هیزم انجام می‌شود.

- حمل چوب، هیزم و زغال درختان جنگلی

ماده ۴۸ قانون ذکر شده بیان می‌دارد ((حمل چوب و هیزم و زغال حاصل از درختان جنگلی در تمام نقاط کشور به استثنای آن درخت داخله شهرها بدون تحصیل پروانه از سازمان جنگلبانی ممنوع است و چنانچه مرتکب فاقد پروانه بهره‌برداری باشد طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق تعقیب و مجازات خواهد شد در صورتی که دارای پروانه بهره‌برداری باشد فقط عین مال به سود سازمان جنگلبانی ضبط می‌شود حمل چوب و هیزم و زغال از شهر به دهات مجاور در حدود مصرف شخصی مجاز است حدود این اجازه در آیین‌نامه اجرایی این قانون



تعیین خواهد شد)) در خصوص ماده مذکور ابهاماتی وجود داشت برخی حمل هیزم و چوب و زغال را مطابق قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ قابل تعقیب و مجازات می‌دانستند و گاهی عمل را در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌دانستند و برخی آن را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی و برخی دیگر آن را در صلاحیت دادگاه عمومی می‌دانستند که دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۴ در مقام تشخیص مرجع صالح پرداخت و مقرر داشت ((نظر به اینکه حمل چوب و هیزم و زغال حاصل از درختان جنگلی به شرحی که در ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع آمده است ممنوع است و با عنایت به اینکه قانون مجازات مرتکبان قاچاق که ماده مذکور مجازات مرتکبان عمل را به آن احاله کرده است طبق ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ نسخ شده است بنابراین با توجه به مقررات ماده ۱۸ آن قانون عمل ارتكابی تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی به آن طبق ماده ۴۴ قانون مذکور در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است و...)) از مشکلات دیگر این ماده حتی با وجود رأی وحدت رویه مشخص نمی‌شود که حمل چوب، هیزم و زغال حمل کدام کالا محسوب می‌شود کالای مجاز، مجاز مشروط یا کالای ممنوع؟ زیرا حکم مقنن در قانون قاچاق کالا و ارز پیرامون هر یک متفاوت است به‌ویژه آنجایی که حمل چوب یا هیزم یا زغال بدون پروانه بهره‌برداری حمل بوده است معلوم نیست که باید آن را حمل کدام کالا دانست به بیان دیگر حمل چوب، هیزم و زغال در دایره هیچ یک از تعاریف مقنن از کالای مجاز، مجاز مشروط و ممنوع نمی‌گنجد. و همچنان این سردرگمی در قانون وجود دارد. و همچنین رأی وحدت رویه به این امر پاسخ نمی‌دهد که اگر حمل این اقلام به صورت حرفه‌ای و یا سازمان یافته باشد آیا باز موضوع همچنان در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است یا براساس ماده ۴۴ قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد؟ و در اینجا هم قانون‌گذار در خصوص ابهام موجود اظهارنظر ننموده است. و در تبصره ۳ ماده ۴۸ راننده وسیله نقلیه که چوب‌های بدون پروانه را عالمی حمل کرده باشد معاون جرم محسوب نموده و متحمل مجازات تبعی محرومیت دو ساله از رانندگی دانسته است در حالی که



توصیف حمل چوب ، هیزم و زغال به تخلف قاچاق موضوع قانون قاچاق کالا و ارز می‌تواند راننده را مشمول احکام ماده ۲۰ این قانون دایر بر ضبط خود وسیله نقلیه نماید. و نکته قابل ذکر دیگر در خصوص ماده ذکر شده این می‌باشد که حمل چوب هیزم و زغال از درختچه های بیابانی و کویری موضوع ماده ۴۳ قانون ذکر شده از شمول حکم مقرر در ماده ۴۸ خروج موضوعی دارد و مطابق تصریح ماده ۴۸ حمل چوب ، هیزم زغال حاصل از درختان جنگلی شامل مجازات ماده می‌شود و شامل حمل چوبی هیزم و زغال درختچه های بیابانی و کویری نمی‌شود.

بند دوم: جرایم و مجازات‌های مربوط به قطع و از بین بردن درختان در

قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

- چرانیدن محصول دیگری یا تخریب تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان دیگری

مطابق ماده ۶۸۴ قانون صدارالشعار که مقرر می‌دارد ((هرکس محصول دیگری را بچرخاند و تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع کند و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا هفتاد و چهار ضربه محکوم می‌شود)) در خصوص ماده مذکور رأی وحدت رویه شماره ۱۰ در تاریخ ۱۳۵۵/۷/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور آمده است که بیان می‌دارد ((ارتکاب اعمال مذکور در ماده در صورتی که مقرون به قصد اضرار و یا جلب منافع غیر مجاز با سوء نیت باشد قابل تعقیب و مجازات است هرچند مالکیت اموال موضوع جرم مشمول ماده فوق به‌طور اشتراکی و اشاعه باشد))

- از بین بردن یا قطع نخل خرما

در ماده ۶۸۵ مقنن بیان می‌دارد ((هرکس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا به هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس یا از پانزده میلیون ریال تا بیست و پنج میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد)) جزای نقدی مقرر در ماده فوق در سال ۱۳۹۹ مطابق تصمیم هیئت وزیران براساس ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ افزایش یافته



است و مواد ۶۸۴ و ۶۸۵ براساس ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی از جرایم قابل گذشت محسوب شده و با گذشت شاکی در هر مرحله از تعقیب و رسیدگی قرار موقوفی تعقیب یا رسیدگی یا موقوفی اجرا صادر خواهد شد. که در این دو ماده قانون گذار درختان را به مثابه اموال شخصی اشخاص محسوب نمود و به همین خاطر این جرایم را به عنوان جرایم قابل گذشت تعیین نموده است به نظر می رسد قانون گذار برای حفظ و حمایت از درختان می توانست مانند سایر جرایم از درختان به عنوان اموال ملی همان گونه که در سایر قوانین مرتبط مربوط به قطع درختان وجود دارد آن را جزء جرائم غیرقابل گذشت محسوب می نمود.

- تصرف عدوانی جنگل ها و مراتع

مطابق ماده ۶۹۰ قانون پیش گفته مقنن مقرر می دارد ((هر کس به وسیله صحنه سازی از قبیل پی کنی، دیوارکشی، تغییر حدفاصل، امحای مرز، کرت بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی جنگل ها و مراتع ملی شده، کوهستان ها، باغ ها، قلمستانها، منابع آب، چشمه سارها، انهار طبیعی و پارک های ملی تأسیسات کشاورزی و دامداری و دام پروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت های وابسته به دولت یا شهرداری ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذی حق معرفی کردن خود یا دیگری مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذی صلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می شود دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق و یا اعاده وضع به حال سابق نماید)) چند نکته در خصوص ماده مذکور قابل بیان می باشد :



نکته ۱: در رسیدگی به جرم تصرف عدوانی ماده ۶۹۰ موکول به احراز مالکیت دولت است یعنی باید مالکیت منابع طبیعی احراز شود که به موجب ماده یک تصویبنامه قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۱ عرصه و اعیانی جنگل‌ها و مراتع بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی کشور جزء اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت است ولو اینکه قبل از این تاریخ افراد آن را متصرف شده‌اند و سند مالکیت گرفته باشند و مطابق ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با وزارت جهاد سازندگی است و به صرف تشخیص وزارت مذکور و قطعیت آن در مالکیت دولت قرار می‌گیرد و در خصوص مورد عدم صدور سند مالکیت بنام دولت جمهوری اسلامی ایران نافی مالکیت دولت نسبت به منابع ملی شده که به ترتیب مقرر در ماده مرقوم احراز شده و قطعیت یافته‌باشد نخواهد بود که رأی وحدت رویه شماره ۶۸۱ تاریخ ۱۳۸۴/۷/۲۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مؤید همین امر می‌باشد

نکته ۲: و براساس تبصره ۱ ماده ۶۹۰ رسیدگی به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی و ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق نسبت به جنگل‌ها و مراتع و منابع طبیعی و تخریب آنها به دلیل اهمیت و فوریت داشتن موضوع خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

نکته ۳: منظور از قسمت اخیر ماده ۶۹۰ که بیان می‌دارد دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید ماده صراحتاً بیان داشته دادگاه موظف است و لذا در موارد شک که آیا دادسرا هم امکان صدور چنین دستوری را دارد یا خیر؟ با توجه به صراحت ماده شامل دادسرا نمی‌شود.

نکته ۴: منظور از مقامات قضایی تبصره ۱ ماده ۶۹۰ حسب نظریه مشورتی شماره ۵۱۷۳ تاریخ ۱۳۸۲/۷/۵ اداره کل امور حقوقی قوه قضاییه اعم از مقامات قضایی دادسرا و دادگاه است که حسب مورد دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم صادر می‌نماید.



نکته ۵: اگر بزه تصرف عدوانی جنگل توام با قطع اشجار باشد حسب رأی وحدت رویه شماره ۶۸۵ تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ اعمال ارتكابی متهم در مورد تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به منظور تصرف مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و در مورد قطع اشجار مطابق ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ منطبق است و تعدد مادی جرایم موضوع ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی می‌باشد

نکته ۶: در خصوص قرار بازداشت موقت الزامی در تبصره ۲ ماده ۶۹۰ با توجه به تصویب ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار بازداشت موقت الزامی تبصره این ماده نسخ گردیده است.

نکته ۷: جرم تصرف عدوانی منابع طبیعی و جنگل‌ها از جرائم غیرقابل گذشت است زیرا براساس ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (یا اصلاحیه ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) فقط تصرف عدوانی نسبت به اموال اشخاص قابل گذشت شده است و مطابق ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است اگر در خصوص قابل گذشت بودن جرم در قانون تصریح نشده باشد غیر قابل گذشت محسوب می‌شود و در واقع قانون‌گذار اصل را بر غیر قابل گذشت بودن جرایم در صورت عدم تصریح در قانون قرار داده است.

بند سوم: جرایم و مجازات‌های مربوط به قطع و از بین بردن درختان در قانون

اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۸۸

- قطع و از بین بردن درختان شهری

درختان به عنوان بخش مهمی از محیط زیست در اسناد بین‌المللی از جمله بیانیه اصول حفاظت از جنگل‌ها مصوب ۱۹۹۲ و فصل یازدهم دستور کار ۲۱ اجلاس ریو مورد حمایت قرار گرفته است. در حقوق کیفری ایران مهم‌ترین مقررہ ای که به حمایت کیفری از درختان موجود در فضای شهری پرداخته است ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است این ماده مقرر می‌دارد ((هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و برخلاف مقررات قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه



میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد)) قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ است اما این قانون مطابق قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها در سال ۱۳۸۸ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت مطابق ماده ۱ قانون اصلاح ((به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان قطع هر نوع درخت یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر ، میدان‌ها ، بزرگراه ها ، پارک‌ها ، بوستان‌ها ، باغات و نیز محله هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر ، باغ شناخته شوند در محدوده حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است و ...))

ماده ۴ قانون ذکر شده و مقرراتی شبیه ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات به تصویب رسانده است که باید ماده ۴ را ناسخ ماده ۶۸۶ قانون پیش گفته دانست. ماده ۴ مقرر می دارد ((هرکس درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و برخلاف مقررات مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال برای هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد))

عملکرد قانون‌گذار در تصویب این ماده نسبت به ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات از یک سو مفید و مطلوب بود و از سوی دیگر نامطلوب می‌باشد اقدام مفید مقنن در ماده ۴ را می‌توان پیش‌بینی جزای نقدی برای هر درخت به صورت مجزا دانست در حالی که در ماده ۶۸۶ جزای نقدی برای رفتار فرد صرف نظر از تعداد درختان قطع شده پیش‌بینی شده بود. اما اقدام غیر مفید قانون‌گذار را می‌توان مشروط کردن کیفر حبس به قطع بیش از سی اصله درخت دانست در واقع چنین مقرر شده ای از سوی قانون‌گذار به اشخاص اجازه می‌دهد که تا سی اصله درخت را قطع نمایند و فقط کیفر جزای نقدی بر اشخاص اعمال می‌شود.

و نکته قابل ذکر دیگر این می‌باشد که در حقوق کیفری ایران به دو شکل از درختان واقع در فضای شهر حمایت کیفری به عمل آمده است اول درختانی که جزء اموال عمومی و از ثروت ملی محسوب می‌شوند مانند آنچه در ماده ۴ قانون



اصلاح قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها تعیین شده است. و دوم آنکه حمایت کیفری از درختانی که جزء اموال شخصی اشخاص محسوب می‌شوند مانند آنچه در مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده که در اینجا قانون‌گذار هدف حفظ و حمایت از اموال شخصی داشته است. و اینکه سؤالاتی قابل طرح است برای مثال اگر کسی درخت متعلق به دیگری که در فضای شهری واقع شده است را آتش بزند آیا مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ را باید حاکم دانست یا ماده ۴ قانون ذکر شده را؟ به عبارت دیگر آیا باید نفع جمعی را مقدم شمرد یا نفع خصوصی را مقدم دانست؟ به نظر می‌رسد اگر درخت مزبور در ملک شخص دیگری باشد براساس ماده ۱ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها از معابر، میدان‌ها و هر آنچه جز فضای شهری (مکان‌های هفت‌گانه) باشد سخن گفته است که بی‌تردید ماده ۶۷۵ را باید حاکم دانست زیرا ملک شخصی اشخاص جز فضای شهری نیست. و اگر درخت متعلق به دیگری در معبر عام مانند حریم خانه واقع شده باشد باز می‌توان گفت که از نظر مقنن مال شخص دیگری براساس ماده ۶۷۵ مورد تخریب قرار گرفته است اعم از اینکه درخت باشد یا مال دیگر. و اگر درخت متعلق به عموم باشد حکم ماده ۴ قانون پیش گفته حکم‌فرما می‌باشد. و سؤال دیگری که قابل طرح می‌باشد این است که آیا قطع درخت در فضای شهری توسط کسی که مالک درخت است و آن را کاشته است هم شامل مجازات ماده ۴ قانون اخیرالذکر می‌شود یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق ماده مذکور شامل قطع درخت توسط مالک در فضای شهری هم بشود زیرا هدف قانون‌گذار حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان می‌باشد هرچند قطع درخت در فضای شهری از طرف مالک باشد. و قانون‌گذار فقط قطع یا از بین بردن درختان واقع در فضای شهری را مورد حمایت کیفری قرار داده است در صورتی که رفتارهایی مانند قطع کردن شاخه و کندن برگ درختان را مشمول این ماده قرار نداده است.

بند چهارم: جرایم و مجازات‌های قطع درختان در قانون حفظ و حمایت از

منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۵/۷/۱۳۷۱

ماده یک قانون مذکور مقرر می‌دارد ((از تاریخ تصویب این قانون گونه‌های



درختانی از قبیل شمشاد، زرین، سرخ‌دار، سرو خمره‌ای، سفید پلت، حرا و چندل، ارس، فندق، زیتون، بنه (پسته وحشی)، گون، ششم، گردو جنگلی و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جزء ذخایر جنگلی محسوب و قطع آن‌ها ممنوع است)) پراکندگی در قوانین زیست محیطی راجع به درختان را می‌توان با همین قانون به خوبی آشکار ساخت یکی از نخستین قوانینی که مقنن در حمایت از درختان جنگلی به تصویب رسانده است قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است در این قانون رفتارهایی از جمله قطع و بریدن درختان جنگلی جرم‌انگاری شده است. و قانون‌گذار مجدداً در سال ۱۳۷۱ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی را به تصویب رسانده است و قطع درختان را ممنوع و ضمانت اجرای کیفری حبس و جزای نقدی تعیین نموده است و به نظر می‌رسید که قانون دوم قانون اول را نسخ نموده است زیرا دلیل این امر آن است که از یک‌سو در ماده یک قانون دوم درختان مورد حمایت را به صورت تمثیلی ذکر کرده است و از سوی دیگر مجازات مقرر در تبصره سوم ماده را نسبت به قانون اول افزایش داده است بنابراین یک موضوع در دو مقرر کیفری با هم در تناقض هستند و اما هیئت وزیران در مصوبه سال ۱۳۸۲ و همچنین در آخرین مصوبه ۱۳۹۶ در اقدامی تعجب برانگیز جریمه‌های نقدی مقرر در قانون نخست و قانون دوم را افزایش داده است که نشان سردرگمی مقنن و عدم نسخ دو قانون و هم‌پوشانی داشتن موضوع دو قانون در قسمت ذکر شده می‌باشد.

بند پنجم: قطع درختان و تعلیف غیرمجاز احشام در قانون صید و

شکار مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی

بنده د ماده ۱۰ قانون صید و شکار مقرر می‌دارد که ((از بین بردن رستنی‌ها از جمله قطع درختان، خار زنی، بوته‌کشی و تعلیف غیرمجاز در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش و تجاوز و تخریب در این مناطق به جزای نقدی از سه میلیون ریال تا پانزده میلیون ریال یا حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم می‌شود)) در تعیین مجازات مقنن مقام قضایی را در انتخاب مجازات حبس یا جزای نقدی مخیر دانست و با توجه به اینکه جزای نقدی موضوع این ماده جزای نقدی نسبی می‌باشد و با توجه به موضوعات پیش براساس ماده ۳۴۰ قانون آیین



دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به بزه مذکور در صلاحیت مستقیم دادگاه می‌باشد و حبس مقرر در این ماده نیز حبس درجه هفت محسوب می‌شود و آن هم در صلاحیت مستقیم دادگاه می‌باشد. و همچنین در بند ج ماده ۱۲ قانون صید و شکار مقرر می‌دارد ((از بین بردن رستنی‌ها و تعلیف و تخریب در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و هرگونه تجاوز و فعالیت غیرمجاز در این‌گونه مناطق را جرم دانسته و مرتکب به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سی میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شود)) قاضی در تعیین مجازات مقرر در این ماده مطابق ماده قبل نیز مخیر می‌باشد و مجازات حبس یا جزای نقدی قابل تعیین از سوی قاضی می‌باشد و حبس تعزیری مقرر در این ماده حبس تعزیری درجه پنج می‌باشد و جزای نقدی نسبی و درجه هفت است و ملاک عمل مجازات حبس مقرر در ماده می‌باشد. در بند د ماده ۱۰ و بند ج ماده ۱۲ قانون صید و شکار چهار منطقه ذکر شده که به مناطق چهارگانه معروف می‌باشد قانون‌گذار به خاطر اهمیت مناطق مذکور (پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق حفاظت شده) به‌صورت جدا در خصوص این مناطق جرم‌انگاری نموده است و مناطق چهارگانه مذکور در بند الف ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ آمده است.

نتیجه‌گیری

به نظر نگارنده قوانین کیفری ایران درختان، جنگل، مراتع و به‌طور کلی محیط زیست را یک ارزش مورد حمایت پنداشته است و برای محافظت از آن به مداخله کیفری و اقدام به جرم‌انگاری برخی رفتارهای نموده است. و مداخله قانون‌گذار به صورت پراکنده در قوانین مختلف به عمل آمده است و پیشنهاد می‌شود که مقنن نخست اقدام به تدوین قانونی منسجم و یکپارچه در خصوص حمایت از درختان و جنگل‌ها نماید تا از پراکندگی قوانین متعدد جلوگیری به عمل آید. و همچنین قانون‌دارای خلأها و نقدهای بسیاری است به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای حمایتی و همچنین توسعه و حفظ جنگل و درختان شود. و برخی رفتارهایی که موجب قطع و از بین بردن درختان، تخریب جنگل، قطع درختان شهری، تصرف منابع طبیعی، چرای دام، بریدن و ریشه‌کن کردن



درختان ، زغال گیری ، زراعت ، کت زدن ، آتش زدن و راه سازی عمدۀ رفتارهایی که موجب تخریب درختان و جنگل هستند و مهم ترین پاسخ های کیفری در خصوص این جرایم شامل حبس ، جزای نقدی ، ضبط مال و اقدامات تأمینی و تربیتی است که در قانون برای آن تعیین شده است. و از عمدۀ ترین دلایل ارتکاب این جرایم پایین بودن میزان مجازات ، پراکنده بودن قوانین مرتبط با این جرایم ، به روز نبودن این قوانین ، کمبود اراضی زراعی و کشاورزی ، ضعف فرهنگ سازی توسط رسانه ها و آموزش و پرورش و فقر اقتصادی می باشد. و با توجه به تعدد قوانین ذکر شده و عدم انسجام و از هم گسیختگی قوانین و همچنین عدم تشخیص ناسخ و منسوخ بودن برخی از قوانین نسبت به همدیگر، لذا در سیاست کیفری تقنینی ایران نیازمند تدوین قانون منسجم و یکپارچه و شفاف توسط قانون گذار جهت حمایت از درختان و جنگل ها و منابع طبیعی می باشد.



منابع و مأخذ

- ۱- قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات بعدی
- ۲- تصویب‌نامه قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۱
- ۳- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی
- ۴- قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات بعدی
- ۵- قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱
- ۶- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی
- ۷- قانون صید و شکار مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی
- ۸- لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ با اصلاحات بعدی
- ۹- قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶
- ۱۰- قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹
- ۱۱- قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴
- ۱۲- قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی
- ۱۳- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی
- ۱۴- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹
- ۱۵- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی
- ۱۶- آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- ۱۷- نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه